

بررسی ویژگیهای سبکی کتاب قسطاس الاطبا (نورالدین محمد بن عبدالله شیرازی)

محمد افراسیابی پور^۱، زهرا رفیعی^{۲*}، سید محمود سیدصادقی^۱

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

فروردین ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۳، صص ۹۱-۱۰۳

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.6766

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: کتاب قسطاس الاطبا از کتابهای معتبر پزشکی و فرهنگی چنددانشی است که نورالدین محمد بن عبدالله شیرازی، پزشک نامدار و پرکار عهد صفویه (قرن یازدهم) به رشته تحریر درآورده است. هدف این پژوهش، ضمن معرفی نویسنده و نسخ خطی قسطاس الاطبا، تبیین ویژگیهای سبکی و برجستگیهای ارزشمند این اثر است.

روش مطالعه: پژوهش حاضر به روش کیفی، با شیوه توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

یافته‌ها: کتاب قسطاس الاطبا دربردارنده گنجینه‌ای از اصطلاحات پزشکی، مقادیر، نام حکما، لغات فن پزشکی فارسی، اشعار، اعلام تاریخی و جغرافیایی است. کاربرد واژه‌ها، عبارات و احادیث به زبان عربی، کاربرد صورت کهن واژه‌ها، درآمیختگی نظم و نثر، استفاده از فعل جمع برای فاعل مفرد، حذف شناسه در فعل معطوف، وفور لغات و اصطلاحات ترکی و هندی و ... از شاخصه‌های مهم زبانی و ادبی اثر میباشد.

نتیجه‌گیری: در اثر یادشده علاوه بر بیان مسائل طبی و واژه‌های اصیل فارسی، اغلب، معادلهای عربی، یونانی یا هندی نیز در آن درج شده و با توجه به ساختار علمی کتاب، از ویژگیهای ادبی نیز برخوردار است. ویژگیهای زبانی این اثر نیز برغم فاصله زمانی نسبتاً طولانی از سبک نثر مرسل، همچنان با سبک نثر مرسل قابل انطباق است؛ درضمن این اثر با وجود دارا بودن مشخصات سبکی نثر مرسل، دارای ویژگیهای سبکی دوره خود (صفویه) نیز است.

تاریخ دریافت: ۰۲ فروردین ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۰۴ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ اصلاح: ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۰۳ تیر ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

ویژگیهای سبکی قسطاس الاطبا،
نورالدین محمد شیرازی،
نسخه خطی دوره صفویه.

* نویسنده مسئول:

za.rafeie@iaau.ac.ir

۳۶۴۱۰۰۴۱ (۹۸ ۷۱) (+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A study of the stylistic features of the book Qastaseh al-Atebba (Nur al-Din Muhammad ibn Abdullah Shirazi)

M. Afrasiabipour¹, Z. Rafiei^{*2}, S.M. Seyyed Sadeghi¹

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Law and Human Sciences, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 22 March 2022

Reviewed: 24 April 2022

Revised: 07 May 2022

Accepted: 24 June 2022

KEYWORDS

Stylistic features of "Qastaseh al-Atebba",
Noureddin Mohammad Shirazi,
Safavid Manuscript.

*Corresponding Author

✉ za.rafeie@iaui.ac.ir

☎ (+98 71) 36410041

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Qastaseh al-Atebba is one of the most authoritative medical books and a multidisciplinary culture written by Noureddin Mohammad ibn Abdullah Shirazi, a famous and prolific physician of the Safavid era (11th century). The purpose of this study, while introducing the author and the manuscript of Qastaseh al-Atebba, is to explain the stylistic features and valuable highlights of this work.

METHODOLOGY: The present study was conducted in a qualitative method with a descriptive-analytical and library method.

FINDINGS: Findings: The book Qastaseh al-Atebba contains a treasure trove of medical terms, quantities, names of sages, Persian medical vocabulary, poems, historical and geographical announcements. The use of words, phrases, hadiths in Arabic, the use of the ancient form of words, the fusion of order and prose, the use of the plural verb for the singular verb, the elimination of identities in the target verb, the abundance of Turkish and Hindi words and expressions, etc. are important linguistic features. Literary is the work.

CONCLUSION: Conclusion: The results obtained from this study show that in addition to expressing medical issues and often original Persian words, Arabic, Greek or Indian equivalents are also included in it and according to the scientific structure of the book, it also has literary features. The linguistic features of this work, despite the relatively long distance from Morsal's prose style, are still compatible with Morsal's prose style; In addition, despite having the stylistic characteristics of Morsal prose, this work also has the stylistic features of its period (Safavid).

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.6766](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.6766)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 9	 0	 0

مقدمه

یکی از راههای انتقال فرهنگ و دانش بشری از نسلی به نسل دیگر، آثار مکتوب است؛ بنابراین تصحیح آثار کهن از میراث مکتوب گذشتگان، کاری بزرگ و ارزشمند در جهت احیای آن آثار بشمار میرود و فرهیختگان هر نسلی در میان هر قومی، میکوشیدند آثار گذشتگان را به شکلی صحیح و دور از تحریف و تصرف - که توسط کاتبان، بر اثر گذشت روزگار به آنها وارد آمده است - عرضه کنند. به همین منظور، سخن از فن تصحیح به میان می‌آید که با تکیه بر آرای صاحب‌نظران در این فن، درمیابیم غرض از فن تصحیح، عرضه داشتن متنی است از کتابی، به آن صورت و شکلی که مؤلف پرداخته است و مصحح در خصوص متن اثر، «نه منتقد است نه منشی، بلکه امید می‌است که میکوشد تا متن یک اثر را از زیر غبار تصرفات کاتبان، بی‌رون آرد و بر مینای شمع فقهایی که از مؤلف و زبان و پسندهای فرهنگی او و روزگارش دارد، گونه‌ای از کتاب را که مؤلفش تسوید کرده است یا مانده به آنگونه، ارائه دهد» (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۲۷۸). یکی از این آثار نسخه خطی «قسطاس الاطبا» نورالدین محمد شیرازی از پزشکان قرن یازدهم هجری است که در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۷۶۷۵ ثبت شده است. در این مقاله سعی شده ضمن معرفی کوتاه نورالدین محمد شیرازی، ویژگیهای سبکی این نسخه خطی در جایگاه اثری مهم از قرن یازدهم هجری به همراه دیگر ویژگیهای خاص این کتاب بیان شود.

ضرورت و سابقه پژوهش

قسطاس الاطبا نورالدین محمد بن عبدالله شیرازی، اثری به سبک نثر مرسل است. این کتاب بدلیل نثر ساده و روان آن و نیز در برداشتن گنجینه‌ای از اصطلاحات پزشکی، مقادیر، نام حکما، لغات فن پزشکی فارسی و معادلهای آن به عربی، یونانی یا هندی، اثر بسیار بارز شی است که با توجه به جایگاه مؤلف آن در قرن یازدهم و اهمیت ویژگیهای سبکی و برجستگیهای ارزشمند این اثر، معرفی آن برای کمک به شناخت بیشتر متون نثر علمی در دوره صفویه، ضروری به نظر میرسد. بجز مطالب مختصری که درباره مؤلف کتاب و آثار دیگر او در تعدادی از تذکره‌ها و آثار پیشینیان نظیر پزشکان نامی پارس، تاریخ ادبیات در ایران، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، منتخب‌التواریخ، دانشنامه ادب فارسی، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، تاریخ پزشکی ایران و سرزمینهای خلافت شرقی و آذریعه ذکر شده است، در ارتباط با موضوع پیش رو، تحقیقات چندی صورت گرفته است. برای نمونه محمد افراسیابی پور (۱۳۹۵) در «قسطاس الاطبا نورالدین محمد بن عبدالله (عین‌الملک) قریشی شیرازی بخش اول». این کتاب فقط به تصحیح بخشی از نسخه خطی قسطاس الاطبا پرداخته است و در بردارنده تمام آن نمیباشد. خیراندیش و برومندی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جایگاه نورالدین شیرازی طبیب مؤلف در هند» به شرح احوال نورالدین محمد شیرازی و آثار وی پرداخته‌اند. محمد افراسیابی پور (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «قسطاس الاطبا اثر نورالدین محمد شیرازی، پزشک ایرانی تبار دربار هند در عصر صفوی» باختصار به معرفی قسطاس الاطبا و مؤلف آن نورالدین محمد شیرازی پرداخته است. برومندی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با عنوان «تصحیح بخش دوم نسخه خطی قسطاس الاطبا اثر نورالدین محمد عبدالله شیرازی» تنها به تصحیح بخش پایانی از نسخه خطی قسطاس الاطبا پرداخته است و در بردارنده تمام نسخه خطی نمیباشد. از آنجاکه هر کدام از دو تصحیح موجود بصورت ناتمام صورت گرفته و اصل یکدستی نیز در آن رعایت نگردیده است، نمیتواند تصحیح منقح و بدون اشکالی باشد.

بحث و بررسی

شرح حال مؤلف قسطاس‌الاطبّا

درباره مؤلف کتاب قسطاس‌الاطبّا، اقوال پراکنده‌ای وجود دارد که بیشتر آنها مختصر و تکراری هستند. مطابق آنچه در کتب معتبر نوشته شده، نام کامل او «عین‌الملک نورالدین محمدبن صفی‌الدین عبدالله بن عین‌الملک علی» است و در قرن یازدهم هجری قمری در هندوستان به دنیا آمده است. این پزشک، ادیب و نویسنده ایرانی تبار و فارسی‌نویس شبه‌قاره، پسر یا نواده حکیم عین‌الملک دواپی شیرازی (درگذشته ۱۰۰۳ق) و خواهرزاده فیضی و ابوالفضل علامی است (انوشه، ۱۳۷۵، ج ۴: ۲۶۱۰) که هر دو از نامداران قرن دهم و از پیشگامان تجدید نثری یعنی تغییر سبک نثر فارسی در هندوستان به شمار می‌روند. به‌گواه تاریخ، نورالدین محمد نزد پدر و دایی خود ابوالخیر بن مبارک و دیگر دانشمندان درس خواند و در زمرهٔ مقربان درگاه شاه‌جهان گورکانی (۱۰۳۷ تا ۱۰۶۸ق) درآمد و شاه‌جهان وی را به لقب عین‌الملک مخاطب ساخت (انوشه، ۱۳۸۰: ۲۶۱۰).

منابع متعددی که باختصار شرح حال نورالدین محمد شیرازی را بیان کرده‌اند، شهرت او را آنگونه ذکر کرده‌اند که پیش از این اشاره شد؛ حال آنکه در نسخهٔ خطی آستان قدس رضوی و نیز دو تلخیصی که از این کتاب وجود دارد، بعد از نام نویسنده قسطاس‌الاطبّا، پسوند «قریشی» را اضافه کرده‌اند و به صورت «نورالدین محمد عبدالله عین‌الملک قریشی شیرازی» نوشته‌اند؛ بنابراین به نظر نگارنده، دربارهٔ نام کامل مؤلف قسطاس‌الاطبّا، بر مبنای تحقیقاتی که تاکنون انجام گرفته و بدان صورت ضبط کرده‌اند، جای تردید است؛ زیرا این منابع هنگام معرفی نورالدین محمد مؤلف قسطاس‌الاطبّا، فقط به نقل قول از کتابهایی از قبیل *الذریعه* و *نزهة‌الخواطر* و *تاریخ پزشکی ایران* نوشتهٔ سیریل الگود، بسنده کرده‌اند و این موضوع بیانگر این است که صاحبان این منابع، ظاهراً نسخ خطی قسطاس‌الاطبّا را ندیده‌اند و تنها منابعی که باختصار دربارهٔ پسوند اجداد نورالدین اشاره کرده‌اند، یکی در کتاب آثار علوم پزشکی دانشمندان اسلامی و ایرانی آمده و دیگری در کتاب *طب دارا شکوهی* چنین آمده است: «نورالدین محمد عبدالله حکیم عین‌الملک شیرازی قریشی» (میر، ۱۳۶۳: ۲۰۷). براساس منابع موجود، سال تولد و وفات او مشخص نیست، اما با توجه به اینکه *طب دارا شکوه* که آخرین اثر نورالدین می‌باشد، در سال ۱۰۵۶ هجری نوشته شده، مرگ او پس از این تاریخ اتفاق افتاده است.

مطالب و محتوای قسطاس‌الاطبّا و شیوهٔ تنظیم آن

این کتاب شامل یک مقدمهٔ کوتاه و متن اصلی می‌باشد. مقدمه با حمد خداوند و ستایش پیامبر آغاز می‌شود و پس از ذکر نام خدا و حضرت رسول، موضوع کتاب را که همانا طب و طبابت باشد، بیان کرده است و در ادامه، نویسنده، برخی کتب مورد استفادهٔ خود را نام می‌برد و روش کار خود را توضیح می‌دهد و مقصود از برخی حروف مثل موحد، فوقانی، مثلثه، واو معروف، مجهول و معدوله را بیان می‌کند و در آخر، از باریک‌بینان فن طب خواسته است که اگر خطا و سهوی در کتاب قسطاس‌الاطبّا وجود دارد، به قلم انصاف، اصلاح کنند.

مؤلف کتاب قسطاس‌الاطبّا در تدوین این کتاب و تنظیم آن، شیوه‌ای خاص به کار برده است. این کتاب بترتیب حروف آغاز نامها (تهجی)، در ۲۷ تعلیق (که مراد از آن حرف نخستین است) مرتب شده است که هر تعلیق دارای دو یا چند تلصیق (که اشاره دارد به حرف دوم که متصل به حرف اول است) و هر تلصیقی منطوی به چندین تلحیق (که از آن حرف آخر مراد است) است. مؤلف منظور از سربندهای تعلیق و تلصیق را بترتیب،

باب و فصل، عنوان کرده است. او در بیتی به ماده تاریخ تألیف کتاب خود به سال ۱۰۴۰ ق، موافق جمله «الفاظ جید طب» اشاره کرده است.

این نسخه گرامی استاد شیخ و شاب است

گر ای بقی بسنجی ز انجام سال مه را

الفاظ جید طب تاریخ این کتاب است

(نسخه آستان قدس رضوی، ص ۳. الف)

بطور کلی، محتوای این کتاب شامل لغات فن پزشکی فارسی، عربی، یونانی و هندی، نام داروها، تشریح اندامهای بدن و بیماریها میشود اما گاهی موضوعاتی خارج از این حیطه مانند معرفی حکما، دانشمندان، پزشکان، شهرها و کشورها، خوراکیها و مقیاس و اوزان هم در آن دیده میشود. این مطالب برگرفته از کتابهای معتبر لغت و طب است که نام آنها در دیباچه مؤلف با فواید و زواید ذکر شده که نگارنده اش از پزشکان شنیده یا خود یافته است. از دیگر مطالب این کتاب، اشعار فارسی است که بعضی از آنها را خود مؤلف سروده است و با آوردن عبارت «لمؤلفه» قبل از این ابیات، مشخص میشوند.

نگشود دل تو بقی از باده الفاظ

ته جرعه پیمانه معنی به کف آور

(نسخه آستان قدس رضوی، ص ۳. الف)

ارزش کتاب قسطاس الاطبا

قسطاس الاطبا از کتابهای معتبر پزشکی است و ویژگیهای برجسته ای دارد که قابل اعتناست و ارزش و اهمیت آن را در میان کتابهای نظیر خود نشان میدهد. مهمترین امتیازات کتاب بدین شرح است:

۱. نویسنده در تألیف کتاب، آنچنانکه خود گفته، به بسیاری از کتابهای معتبر و مشهور پیش از خود مراجعه و از آنها استفاده کرده است. کتابهایی نظیر *الحاوی* اثر زکریای رازی، *شفاء* و *قانون* ابن سینا، *جامع ابن بیطار* و *فرهنگ جهانگیری* که از جمله فرهنگهای کم اشتباه و مشهور آن زمان بوده است و همین امر باعث اعتبار و ارزش قسطاس الاطبا شده است و اعتماد خواننده را به آن افزایش میدهد.

۲. در بخشهای بسیاری از کتاب قسطاس الاطبا، بدنبال شرح لغات و اصطلاحات، به معادلهای آنها به زبان هندی، ترکی، یونانی، عربی (تازی) اشاره کرده و بندرت معادل رومی کلمات نیز ضبط شده است که این نشان دهنده رواج و جامعیت این اثر در آن دوره و دیار است.

۳. از آنجاکه طب در هند بسیار پیشرفته بوده است، حکیم نورالدین، از دیدگاه طبای هند بهره برده و برخی اصطلاحات را از منظر آنها توضیح داده است.

۴. قسطاس الاطبا را میتوان فرهنگی چنددانشی دانست که شامل واژه های ادبی، پزشکی، دارویی، گیاهی، خوراکی، ابزار، اوزان (مقادیر)، اعلام تاریخی و جغرافیایی و غیره میباشد. برخی از مطالب این فرهنگ از اینگونه است:

داروها: «سِطْرُ آب/ نطول: آبی که در او ادویه بخوشانند و بدن بیمار بدان بشویند» (ص ۱۶. الف)، «اکسیرین: مرکبی باشد در داروهای چشم که گوشت برویاند...» (ص ۲۹. الف).

امراض و بیماریها: «ابیلیمیا: صرع است و گویند تشنجی است که مانع میشود از حس و حرکت» (ص ۶. ب)، «خُمَره: ورمی است مرکب از صفرا و خون ردی، یعنی سرخ باد» (ص ۷۷. الف)، «خُمی مُوَاطِئَه: تب بلغمی است که هر روز به نوبت آید» (ص ۷۷. ب)، «ترایمان: مرض اسهال» (ص ۵۵. ب)، «تِمَر: آب مروارید...» (ص ۵۹. ب).

معادل‌های واژه‌ها: مانند «آسیب: به هندی، وهگه و به تازی، صدمه» (ص ۳.ب)، «آژخ یا خال گوشتی: به هندی، مسا/ «مسه» و به تازی، «ثولول» (ص ۳.ب)، «چیچک و آبله: به هندی، سیئلا و به تازی، جُدَری» (ص ۶۴.ب).
اعلام تاریخی و جغرافیایی: «ختلان: نام ولایتی است از بدخشان که به کولاب اشتها دارد» (ص ۸۰.الف)، «سگز: نام کوهی است بس بلند از ولایت زابلستان که مابین کیچ و مکران واقع است و دریای سند از پهلوی آن میگذرد و گویند تولد رستم در آنجا واقع شد» (ص ۱۲۰.ب).
لغات و اصطلاحات کهن و گونه‌های زبانی: «فریشتگان» (ص ۳۱.ب)، «چف سیدن: چ سپیدن» (ص ۷۱.الف)، «چرویدن: به معنی چاره‌جستن» (ص ۷۰.ب)، «چَل: به معنی آلت تناسل، احمق و گول و مخفف عدد چهل» (ص ۷۱.ب).

معرفی نسخه‌های خطی قسطاس‌الاطبّا

از کتاب قسطاس‌الاطبّا نسخه‌هایی موجود است که نسخه متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی، کامل و دو نسخه متعلق به کتابخانه‌های مدرسه خان یزد و دانشگاه تهران، آنگونه که از متن این دو نسخه برمی‌آید، گویا تلخیصی از نسخه متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی است که در ادامه با توجه به تاریخ کتابت آن به معرفی نسخ میپردازیم:

۱. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی، به شماره ۷۶۷۵: این نسخه دارای ۲۷۲ برگ یا ۵۴۴ صفحه، به خط نستعلیق است که در هر صفحه ۱۹ سطر به طول ۲۶/۵ و به عرض ۱۶ سانتی‌متر نگارش یافته است و متن آن نیز در حرف «عین» افتادگی دارد. این نسخه چنانکه در ترقیمه آن ذکر شده، در سال ۱۰۶۵ق، تحریر یافته؛ ولی متأسفانه نام کاتب آن نوشته نشده است.

۲. نسخه کتابخانه مدرسه خان یزد، به شماره ۱۱۱: این نسخه دارای ۲۲۸ برگ و به خط نسخ تحریر یافته است و سرفصلهایی با مرکب قرمز دارد. این نسخه چنانکه در ترقیمه آن ذکر شده، خطاطی به نام عبدالر ضابین محمد سعید الرازی، در سال ۱۰۹۰ق کتابت کرده است. در این ملخص سعی شده در بسیاری مواقع، مطالب قسطاس‌الاطبّا خلاصه شود؛ لذا کاتب از عناوین کاسته و بسیاری از اسامی خاص و اماکن را حذف کرده و جالب این است که در چند جا هم مطالبی پر از غلط، به متن اضافه کرده است.

۳. نسخه کتابخانه دانشگاه تهران، به شماره ۵۶۴۲: این نسخه دارای ۱۸۷ برگ است که در هر صفحه ۲۱ سطر و گاهی هم ۲۳ سطر با خط نستعلیق نوشته شده است. در ترقیمه این تلخیص، نام کاتب ابوالحسن البصری ذکر شده و تاریخ کتابت آن سال ۱۲۶۸ق است. صاحب این تلخیص نیز مانند تلخیص پیشین عمل کرده؛ یعنی برخی عنوانها، اسامی خاص، اماکن جغرافیایی و مشتقات لغات را از متن قسطاس‌الاطبّا حذف نموده است. البته این تلخیص از برخی جنبه‌ها شبیه تلخیص پیشین است، ولی در تدوین برخی مطالب با آن تفاوت دارد؛ بنابراین نمیتوان قاطعانه قضاوت کرد که آیا تلخیص دوم از روی تلخیص اول کتابت شده یا ملخص مستقیماً این تلخیص را از روی کتاب قسطاس‌الاطبّا و به تقلید از تلخیص مدرسه خان یزد نوشته است.

ویژگیهای سبکی قسطاس‌الاطبّا

نثر کتاب قسطاس‌الاطبّا مربوط به دوره صفویه است و بیشتر خصوصیات نثر ساده آن دوره را دارد. نثر ساده‌ای که در آن، لغات و ترکیبات عربی و اشاره به آیات و درآمیختگی شعر و نثر وجود دارد. «از جمله کتب معروف این

شیوه، میتوان به کتب داراشکوه که در هند نوشته شده است، اشاره کرد؛ از این رو سبک نشر در ایران و هند، بخصوص نشر عمومی و کتب علمی در دوره صفویه نثری ساده و روان بود» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۱۶).

برخی مختصات سبکی که میتوان در این اثر به آنها اشاره کرد، به شرح زیر است:

استفاده از آیات و عبارات و کلمات عربی: آیه ۷۰ از سوره الإسراء «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»، آیه ۴ از سوره التین: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» و آیه ۵۶ از سوره الذاریات: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (نسخه آستان قدس رضوی، ص ۲.الف)، «زَبَّ يَسْرٌ وَ تَمِيمٌ بِالْخَيْرِ» (ص ۳.الف)، «وَالْعَهْدُ عَلَى الرَّأْيِ» (ص ۸.الف)، «ثولول: أَرْخَ» (ص ۳.ب)، «رمص: چرک چشم» (ص ۳.ب).

درآمیختگی نظم و نثر: (ص ۱؛ ص ۲.الف؛ ص ۳.الف؛ ص ۱۵۰.ب، ص ۲۱۰.الف؛ ص ۲۵۵.الف)

نگشود دل تو بقی از باده الفاظ ته جرعه پیمانه معنی به کف آور

(نسخه آستان قدس رضوی، ص ۳.الف)

وفور لغات و اصطلاحات ترکی و هندی

مصطلحات ترکی: «بجول: کعب» (ص ۲۲.الف)، «بغرا: نام آتش مشهور» (ص ۴۳.ب)، «توشک: نهالی» (ص ۶۰.ب)، «جانق: کاسه» (ص ۶۳.الف)، «دیبک: هاون چوبین» (ص ۶۸.ب)، «قیماغ: شیر» (ص ۷۰.ب).

مصطلحات هندی: «وهگه: آسیب» (ص ۳.ب)، «مسا یا مسه: آرخ یا خال گوستی» (ص ۳.ب)، «بادگوله: غمباد» (ص ۳۷.الف)، «توگری: سید کوچک» (ص ۳۷.ب)، «سیتلا: آبله و چیچک» (ص ۶۴.ب).

تتابع اضافات: «زینت افتتاح فرهنگ حکمت طبیعی، سپاس بی قیاس والا اساس حکیم علی الاطلاق است که بمحض حکمت بالغه» (ص ۲.الف).

جمع بستن با «ات»: «مخترعات» (ص ۴.الف)، «علامات» (ص ۱۱.الف)، «بخارات» (ص ۱۳.الف)، (ص ۱۳۹.ب).

جمع بستن کلمات با «ان»: «گرفتن اعضا و کندن آن به ناخن» (ص ۸۴.الف)، «اسپان» (ص ۸۷.الف)، «بزرگان و اکابران» (ص ۱۲۹.ب)، «کحالان» (ص ۱۸۴.ب)، «حجامان» (ص ۱۹۵.ب).

کاربرد «مر» به همراه «را»: «چون آره مر نجار را» (ص ۳.ب)، «و این قوتها ضروری است مر بقای شخص را» (ص ۲۵.الف).

استفاده از پسوندهای «ناک» و «کن»: «ریگ ناک» (ص ۱۰۷.ب) و «چرکن» (ص ۵۰.الف) و «شوخن» (ص ۱۳۵.الف).

«سخت» در نقش قید تأکید: «ورمی است سخت سوداوی» (ص ۱۷.ب)، «و میگویند سخت کحلی رنگ است» (ص ۲۸.ب)، «سخت زرد» (ص ۲۲.الف)، «سخت شادی نمودن» (ص ۴۳.الف).

استعمال ضمیر ذی روح در مورد غیرجانداران: «کابيله: هاونی که در او ادویه بکوبند.» (ص ۱۹۶.ب)، «فواد و رگ غلیظ که آویخته است به او دل از صلب، هرگاه او قطع شود، بمیرد صاحب او» (ص ۲۵۶.الف).

حذف شخص در فعل معطوف: متأخرین به کاف تازی و ثای مثلثه میخوانند و غلط میکند (ص ۲۱۱.الف).

مطابقت صفت و موصوف: نام کرمی است که شنا میکند بر روی آب و حرکت مینماید به حرکات مختلفه سریعیه و هر ساعت غوطه میخورد و باز برمی آید (ص ۱۹۰.الف).

استفاده از فعل مفرد برای «مردم»:

- هرگاه مردم آب سرد خورد حس آن در دماغ می آید (ص ۲۲۶.الف).

- دوم آنکه تا مردم گردن و پشت را به هر سوی بتواند بپیچد (ص ۱۶۷.الف).

- کاربرد لغات کهنه: انگشت (زغال)، شکنج، ریم، موزه، تره، آشنا (در معنی شنا).
- کاربرد ماضی استمراری کهن که از فعل + ی ساخته می‌شده است.
- در متأخرین احیاء حکمت اشراقیه نمود و پیوسته به ریاضت و مسافرت عمر گذرانیدی (الف.۱۳۶).
- آوردن بای شرط بعد از ادات شرط:
- اگر همه اندامها حس گرسنگی بیافتندی، روزه‌داران همه‌روز رنجور بودندی (ص.۲۳۵.الف).
- عدم رعایت ترتیب ارکان جمله:
- عقل قوتی است که بدان تمیز کنند میان کارهای نیک و بد و میان اعتقاد درست و نادرست (ص.۱۶۲.الف).

رسم الخط نسخ خطی قسطاس‌الاطبّا

- از ویژگیهای نگارشی نسخه خطی متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی، میتوان به نکات زیر اشاره کرد:
۱. «پ» اغلب بشکل «ب» نوشته شده است؛ مانند پهن، پوست، پستان، که بصورت «پهن»، «بوست»، «بستان» نوشته شده است.
 ۲. «چ» بشکل «ج» نوشته شده است؛ مانند چون، هیچ، چنانچه و چرم که بصورت «جون»، «هیج»، «جنانجه» و «جرم» نوشته شده است.
 ۳. «ژ» بدون استثنا در سراسر نسخه، بصورت «ز» با یک نقطه نوشته شده است؛ مانند دژ، دژم، دژخیم، که بصورت «دز»، «دزم» و «دزخیم» نوشته شده است.
 ۴. «گاف» فارسی همه‌جا، بصورت «کاف» نوشته شده است؛ مانند «دیگر»، «مکر»، «تکرک»، «کزنده» و «رک» که بجای دیگر، مگر، تگرگ، گزنده و رگ نوشته شده است.
 ۵. همزه «است» را در کتابت حذف کرده و کلمه را متصل نوشته است؛ مانند «علی‌الاطلاقیست» (ص.۲.الف)، «حرارتیست» (ص.۷۵.الف)، «دردیست» (ص.۷۵.الف).
 ۶. هرگاه کلمه مختوم به «های» غیرملفوظ با پسوند «ها» جمع بسته شده، «های» غیرملفوظ در کتابت ساقط شده است؛ «شاخها» بجای شاخه‌ها (ص.۴.الف)، «میوها» بجای میوه‌ها (ص.۴.ب)، «لیفها» بجای لیفه‌ها (ص.۹.ب)، «پارها» بجای پاره‌ها (ص.۱۹.الف).
 ۷. اغلب، «آذربایجان» را بصورت «آذربيجان» آورده است (ص.۱۴.ب؛ ۳۵.ب؛ ۳۶.الف).
 ۸. در بعضی مواضع، «اسب» را بصورت «اسپ» و «چسبان» را بصورت «چسپان» و «چسبنده» را بصورت «چسپنده» آورده است (ص.۸۵.ب؛ ۸۶.الف؛ ۸۷.الف؛ ۸۱.الف).
 ۹. «فرشتگان» را بصورت «فریشتگان» به کار برده است (ص.۳۱.ب).
 ۱۰. در بعضی مواضع، صفات تفضیلی و عالی «تر» و «ترین» را به کلمه ماقبل آن چسبانیده و در بعضی مواضع، ضمائر اشاره «این» و «آن» را به کلمات پس از آنها متصل نوشته است؛ بزرگترین (ص.۹.الف)، باریکتر (ص.۶۷.الف)، «این معنی» را بصورت «اینمعنی» نوشته (ص.۱۲۰.الف)، «آن را» بصورت «آنرا» نوشته (ص.۶۷.ب).

۱۱. «الف» آغازین آن، این، او و مانند آنها پس از حروف ربط و اضافه‌ای چون «به، بر، در، از و غیره» حذف شده است. مثال: «برین» بجای «براین»، «درین» بجای «در این»، «ازین» بجای «از این»، «ازو» بجای «از او». «اندرین» بجای «اندر این».

۱۲. در حاشیه بعضی صفحات نسخه خطی، مطالب اصلاح‌شده به دست کاتب و مرتبط با متن اصلی وجود دارد که با توجه به صحت مشابهت خطی و قرائن معنایی و رعایت اصول تصحیح، در جای خود درون متن قرار گرفته است. در مواقعی که مطالب غیرمرتبط یا از خوش‌نویس دیگری بوده و هیچ علامتی وجود نداشته که نشان‌دهنده متن اصلی باشد، با ذکر عدد در پاورقی آورده شده است (ص ۳۷؛ ص ۵۷؛ ص ۶۰؛ ص ۶۱؛ ص ۶۳؛ الف؛ ص ۶۵؛ ص ۸۱؛ ص ۱۵۹؛ الف؛ ص ۱۲۲؛ ص ۱۲۴؛ ب).

۱۳. یای نکره آخر کلمات بصورت «ء» کتابت شده است. همچون «پاره» بجای «پاره‌ای»، «آبله» بجای «آبله‌ای» و ... و هنگام الحاق «یای» نکره به کلماتی که به الف ختم شده‌اند، یای میانجی کتابت نشده و با یک «یا» آمده است. نظیر «داروهای»، «رگهای»، «چیزهای» بجای «داروهای»، «رگهای» و «چیزهای».

۱۴. در متن، صورت کلمات دوم، سوم هم بصورت دویم، سیوم نوشته شده و هم بصورت دوم و سوم.

۱۵. در موارد نادر، بلک بجای بلکه، زمانیک بجای زمانی که نوشته شده است (ص ۲۴۲؛ الف) و (ص ۱۶۲؛ الف).

۱۶. تایی زاید عربی به هر دو صورت یعنی عربی و بشکل کشیده معمول در زبان فارسی نوشته شده است: مثل مجمل الحکمه/ مجمل الحکمت، کثره / کثرت.

۱۷. علامت جمع «ها»، پیشوند فعلی «می»، پیشوند «بـ»، پیشوند نفی، کلمات اشاره «آن» و «این» و فعل اسنادی «است» گاه جدا و گاه پیوسته نوشته شده است: گردن‌ها (ص ۱۴۸؛ ب)، شپشها (ص ۱۴۲؛ الف)، به بندد (ص ۱۸۵؛ ب)، نه پیوسته (ص ۱۷۰؛ الف)، نه ببند (ص ۱۶۲؛ الف)، به پیچند (ص ۲۵۸؛ الف)، بیدرمان (ص ۱۴۸؛ ب)، نمیگیرد (ص ۱۳۸؛ الف)، آنرا (ص ۲۲۲؛ ب)، آنست (ص ۱۵۰؛ الف)، آنحال (ص ۱۳۸؛ ب)، چیزيست (ص ۲۲۳؛ الف).

۱۸. بسیاری از نقطه‌های کلمات، اکثر تشدیدها، تنوینها، مدها و همزه‌های اضافه از نسخه خطی حذف شده است؛ ایساده بجای ایستاده (ص ۲۳۱؛ الف)، ماره بجای مازه (ص ۱۶۶؛ ب)، کیفیت بجای کیفیت (ص ۲۳۴؛ ب)، عمو ما بجای عموماً (ص ۲۵۰؛ ب)، ادمی بجای آدمی (ص ۲۰۶؛ الف)، بانطرف بجای به آن طرف (ص ۲۲۴؛ ب)، گوساله نوزاده بجای گوساله نوزاده (ص ۱۵۰؛ ب).

۱۹. در غالب موارد، زیر حرف «ی» دو نقطه گذاشته شده است.

۲۰. واو معدوله در بعضی جاها کتابت شده و در مواردی حذف گردیده است: خرد (ص ۲۱۳؛ الف)/ خورد (ص ۱۳۹؛ الف).

برخی ویژگیهای رسم الخط (تلخیص اول) نسخه متعلق به کتابخانه مدرسه خان یزد، به شرح زیر است:

۱. «پ» و «چ» اغلب بشکل امروزی با سه نقطه نوشته شده است: سپاس، پناه، پس، پهلوی، چیز، چشمه، چشم، چنانچه.

۲. «گاف» فارسی، همه‌جا بصورت «کاف» نوشته شده است: «رک»، «کرم»، «هرکاه» و «فرهنگ» که بجای رگ، گرم، هرگاه و فرهنگ نوشته شده است.

۳. اغلب همزه «است» را در کتابت حذف کرده و کلمه را متصل نوشته است: «اکوانست» (ص ۱.الف)، «جسمیست» (ص ۳.الف)، «واجبست» (ص ۴.الف).
۴. «های» غیرملفوظه را در اتصال به علامت جمع «ها»، در کتابت حذف میکند: «کنارها» (ص ۴.الف)، «میوها» (ص ۱۰۰.ب)، «پارها» (ص ۶۵.الف).
۵. در نقطه‌گذاری غالباً مسامحه شده است: «کاخی چشم» (ص ۱۰.ب) بجای کاجی چشم. برخی ویژگیهای رسم‌الخط (تلخیص دوم) نسخه متعلق به کتابخانه دانشگاه تهران، به شرح زیر است:
 ۱. «پ» و «چ» اغلب، بشکل امروزی با سه نقطه نوشته شده است: سپاس، پناه، پیش، چکیده، چون.
 ۲. «گاف» فارسی، همه‌جا بصورت «کاف» نوشته شده است: «آکهی» و «اکر» که بجای آکهی و اگر نوشته شده است.
 ۳. «های» غیرملفوظ را در اتصال به علامت جمع «ها» در کتابت حذف میکند: «پارها» (ص ۵۶)، «شاخها» (ص ۷۲، ۹۵)، «میوها» (ص ۸۶).

خطاهای کاتب نسخه

وجود سهو و خطا در هر دست‌نویس، امری عادی و معمول تلقی میشود و هرچه مقدار نوشته، بیشتر باشد، به همان اندازه بر میزان خطاها و اشتباهات افزوده میشود؛ این نسخه دست‌نویس هم علاوه بر داشتن حجم قابل توجه، شامل لغات و واژه‌هایی از زبانهای بیگانه، داروها و اصطلاحات تخصصی پزشکی است و این امر برای کاتب، دشواریهای زیادی داشته و باعث شده اشتباهاتی فراوان به قسطاس‌الاطباً راه یابد. برای نمونه به تعدادی از این خطاها اشاره میشود:

۱. نقطه‌گذاری: با اینکه این بخش از دشواریهای خط فارسی محسوب میشود، کاتب در این زمینه، بسیار بیدقت بوده است و مواردی بسیار زیاد میتوان یافت که در آن، نقطه‌های کلمات و واژه‌ها افزوده یا کاسته شده‌اند.
۲. تحریف و تصحیف: آمدن بعضی حروف الفبا بجای یکدیگر در متن بسیار است و این مسئله، دشواریهای زیادی را در بازخوانی به وجود می‌آورد. مثلاً ماره بجای مازه (ص ۱۶۶.ب) سلدمی بجای سلامی (ص ۱۶۱.الف) نفاس بجای نغاس (ص ۲۶۱.ب) کچی و گچی (ص ۱۶۳.ب) تنک و تنگ (ص ۲۶۶.الف) که به یک شکل نوشته شده است.
۳. افتادگی: این امر به چند شکل در متن وجود دارد: ۱- یک یا چند حرف از کلمه‌ای ساقط شده مثل هندی که در صفحه (ص ۱۷۳.ب) هند نوشته شده است یا کلمه «قدید» که بصورت «قد» ضبط شده است. (ص ۱۸۶.ب)
- ۲- اصل لغت از قلم افتاده مثل کلمه «سپری» که در صفحه (ص ۱۶۵.الف: خط ۱۳) و کلمه «واکظ» در صفحه (ص ۲۵۴.ب) محذوف است. ۳- توضیح لغت حذف شده است یا در جلوه کلمه‌ای دیگر نوشته شده است، مثل توضیح کلمه گواره که در جلوه لغت گوهران ضبط شده است (ص ۲۱۰.ب) یا توضیح کلمه وشانی (ص ۲۶۰.ب) که از قلم افتاده است.
۴. حروف زاید: در بعضی موارد، یک یا چند حرف به کلمه‌ای افزوده شده و این امر، دشواریهایی را در شناخت واژه به وجود آورده است. مثل «رسغ» که بصورت «رسنع» ضبط شده است (ص ۲۷۱.ب) یا لغت «حلتیث» که بصورت «حلتینت» ضبط شده است (ص ۲۶۷.ب).

در مواردی هم «واو» زاید در متن دیده میشود مثل صفحه‌های (ص ۱۷۸. الف: خط ۶)، (ص ۱۹۵. ب: خط ۱۲ و ۱۳)، (ص ۱۹۶. ب: خط ۱۷).

۵. در موارد معدود، تلحیق با کلمه‌ای که در ذیل آن نوشته شده، همخوانی و تناسب ندارد. مثلاً کاتب، کلمه «وارنبر» را در ذیل تلحیق دال مهمله نوشته است (ص ۲۵۹. الف) و کلمه مروخات که ذیل تلحیق مثلثه ضبط شده است (ص ۲۲۶. الف).

گاهی هم کلمه با تلفظی که برای آن ضبط شده، اختلاف دارد؛ مثل عطلو ساب که در ذیل تلحیق موحده آورده شده اما در شرح تلفظ، بجای موحده، فوقانی نوشته شده است (ص ۱۶۰. ب).

نتیجه‌گیری

نتایجی که از این پژوهش به دست آمد نشان میدهد که قسطاس‌الاطباً که با موضوع طب به ثبت رسیده، بدلیل اطلاعات علمی و وسیع نویسنده در زمینه‌های مختلف درواقع حکم فرهنگ‌نامه داشته است و بخش قابل‌توجهی از این کتاب به معرفی دانشمندان، پزشکان، پادشاهان، شهرها و کشورها، اوزان، خوراکیها و غیره اختصاص دارد. در تألیف قسطاس‌الاطباً از منابع و مآخذ بسیاری استفاده شده که همه از کتابهای مشهور و معتبر پزشکی زمان خود هستند و تا سالها همواره جزو منابع و مراجع پزشکان در طبابت بوده‌اند و این مسئله باعث میشود این اثر نیز از منابع معتبر در تحقیقات به شمار آید و از ارزش و اهمیت علمی برخوردار باشد. مؤلف کتاب قسطاس‌الاطباً در حوزه دانش ادب - سی که سرآمد بسیاری از دانشهاست، تبخّر داشته و خود بارها بصورت جسته‌و‌گریخته شعر هم سروده است؛ بنابراین مهارت نویسنده، باعث شده کتاب قسطاس‌الاطباً به نثر روان و ساده نگارش یابد. درباره سبک زبانی نیز باید گفت مؤلف قسطاس‌الاطباً از طرفی با استفاده از تعدادی لغات دشوار فارسی، استفاده از فعل در وجه و صفی، و استفاده مکرر از واو عطف، نثر خود را به نثر سبک مرسل نزدیک میکند و از طرف دیگر فراوانی لغات عربی، استفاده از جمع مکسر حتی برای کلمات فارسی، به کار بردن حروف عربی در میان جملات فارسی، مطابقت صفت و موصوف همچون دستور عربی و جمع بستن با «ات»، نثر او را به سبک دوره خویش یعنی صفوی نیز نزدیک میکند و باتوجه به اینکه نویسنده قسطاس‌الاطباً به زبانهای هندی، عربی، ترکی، یونانی مسلط بوده، معادل بسیاری از کلمات را به این زبانها آورده است؛ بنابراین این اثر نه تنها به عنوان رساله پزشکی، بلکه بعنوان متن فارسی قرن یازدهم که مملو از ویژگیهای زبانی دوره صفویه است، از اهمیت بالایی برخوردار است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر استخراج شده‌است. سرکار خانم دکتر زهرا رفیعی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای محمد افراسیابی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر سیدمحمود سیدصادقی به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده‌است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

Quran

Anousheh, H. (1996). Encyclopedia of Persian Literature in the Subcontinent. Vol. 4. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, p. 2610.

Anousheh, H. (2001). Encyclopedia of Persian literature (Persian literature in the subcontinent). Vol. 4. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, p. 2610.

Shamisa, S. (2004). Stylistics of prose. Tehran: Mitra, p.216.

Mayel Heravi, N. (2017). Criticism and correction of texts. Mashhad: Astan Quds Razavi, p.278.

Mir, M.T. (1984). Famous elders of Pars. second edition. Shiraz: Shiraz University, p.207.

Shirazi, NM. The Manuscript belongs to the Astane Ghoudse Razavi Library, No. 7675.

Shirazi NM. The Manuscript belongs to the Library of Tehran University, No. 5642.

Shirazi NM. The Manuscript belongs to the Library of Khan School in Yazd, No.111.

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم

انوشه، حسن. (۱۳۷۵). دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره. ج ۴. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۲۶۱۰.
انوشه، حسن. (۱۳۸۰). دانشنامه ادب فارسی (ادب فارسی در شبه قاره). ج ۴. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۲۶۱۰.

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). سبک‌شناسی نثر. تهران: میترا، ص ۲۱۶.

مایل هروی، نجیب. (۱۳۶۹). نقد و تصحیح متون. مشهد: آستان قدس رضوی، ص ۲۷۸.

میر، محمدتقی. (۱۳۶۳). بزرگان نامی پارس. چاپ دوم. شیراز: دانشگاه شیراز، ص ۲۰۷.

نورالدین محمد شیرازی. نسخه خطی قسطاس‌الاطبا. تهران: کتابخانه دانشگاه تهران، شماره ۵۶۴۲.

نورالدین محمد شیرازی. نسخه خطی قسطاس الاطبا. یزد: کتابخانه مدرسه خان یزد، شماره ۱۱۱.
نورالدین محمد شیرازی. نسخه خطی قسطاس الاطبا. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۷۶۷۵.

معرفی نویسندگان

محمد افراسیابی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

(Email: da.mohammadafrasiabipur@iaubushehr.ac.ir)

زهرا رفیعی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

(Email: za.rafeie@iau.ac.ir : نویسنده مسئول)

سید محمود صادقی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

(Email: seyedsadeghi.mahmood@iaubushehr.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Mohammad Afrasiabi: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

(Email: da.mohammadafrasiabipur@iaubushehr.ac.ir)

Zahra Rafei: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Law and Humanities, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

(Email: za.rafeie@iau.ac.ir : Responsible author)

Seyyed Mahmoud Sadeghi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

(Email: seyedsadeghi.mahmood@iaubushehr.ac.ir)